

جسم سوم یا بدن پنجم

بدن عملی

موضوع جزا در معاد

دکتر اسماعیل واعظ جوادی آملی

دانشیار گروه فلسفه و کلام اسلامی دانشگاه آزاد اسلامی - واحد بابل

◆ چکیده:

موضوع حکمت عملی جسم سوم یا بدن عملی است، که بر هیأت و شاکله نیت ساخته می‌شود و همین جسم از الآن تا قیامت کبری با ماهست، نفس الامر موضوعیت جزائی می‌باشد هم در برزخ و هم در قیامت. طرح مسئله خارج فقهی و فلسفی: حدود قلمرو سریان احکام فقهی. طرح پاسخ اجمالی با نظریه نوین؛ جسم سوم یا بدن عملی موضوع حکمت عملی. معیت جسم عملی با روح انسانی در مراتب وجودناستوتی و برزخی و قیامت کبری، و تشبیه تقریبی آن با فیلم سینمایی که هر قطعه آن بدنی دارد با شاکله رفتاری خاص و چون گناه و نفس عمل منکر جزاء بالفعل جهنمی و یا بهشتی می‌باشد، و حدث فعل و جزا گویای این حقیقت است که تمام افعال ما یا تمامی جسم افعالی موجود خارجیت که در تبلی السرائر عین معقول آن، عین محسوس می‌شود و جزاء متناسب در قدرات افعالی مشهود است. پس احکام الهی در تمام مراتب وجود تسری دارد.

لغات کلیدی: فقه یا سنه الله - حکمت نظری و حکمت عملی - نظریه نوین جسم سوم یا بدن عملی - عدل تکوینی و تشریحی - مراتب وجود طبیعی و برزخی - شاکله - عین محسوس و عین معقول - بدن جسدی - معاد جسمانی - جزای اعمال - بدن پنجم - تخیل حضوری - بازیافت بدن عملی

مقدمات:

۱. معاد از ضروریات اعتقادیست تا هم ضمانت اجرای احکام باشد و هم مبین کمال جوهری.
 ۲. نظر حکماء مشائی در اثبات معاد روحانی و عدم امکان اثبات عقلانیت معاد جسمانی و لکن لزوم پذیرش اعتقادی بود.
 ۳. نظر شیخ اشراق به اثبات معاد جسمانی ولی با جسم برزخی یا مثالی (جسم لطیف مورد نظر هندوان) پرداختند.
 ۴. مرحوم صدرالمতألهین که در صدد اثبات معاد جسمانی با طرح اصول یازده گانه منجمله اصالت وجود و حرکت جوهری، تجرد خیال منفصل و نظریه انشاء و اصل بودن صورت و فعلیت برای ماده و نظائر اینها برآمد، متأسفانه بازگشت به همان بدن خیالی یا دست ساخته خیال منفصل است که نفس به مدد خیال، ملکات فاضله و یا رذیله را بازسازی می کند و مطابق آن جزا می بیند. (۱)
 ۵. نظر ما، با طرح برهان هیأت و حیثیت و توجه به رمز غیبی (نفخ فی الصور) بر همان منهج ناشناخته (نفخت فی من روحی) مجدداً عناصر مادی، در شاکله اعمال در قیامت کبری بازسازی می شود و این شاکله اعمال، همان بدن عملی می باشد.
- فرق نظر ما با نظر مرحوم آخوند این هست که حضرت ایشان معتقد است به بدن دست ساخته قوه مجرد خیال که حاوی ملکات فاضله یا رذیله می باشد و چندان فرق اساسی با بدن برزخی شیخ اشراق ندارد (و ما نیز به حیات برزخی قائم که همان قیامت صغری می باشد) لکن در قیامت کبری (قل ان الاولین و الاخرین لمجموعون الی میقات یوم معلوم) (۲) همه ما با بدن عملی (شاکله عملی، البته عمل قائم به نیت) مجسم مرکب از عناصر مادی محشور می شویم زیرا دنیای قیامت یک فضای کاملاً جسمانی است هم دارای جسم طبیعی و هم دارای جسم تعلیمی باضافه جسم سومی که ما بر نظر مقبول حکماء افزودیم و آنرا جسم عملی یا بدن پنجم نام نهادیم.
- تذکره: نام گذاری عنوان بدن پنجم به این لحاظ است که آقای پال توییچل پیامبر برگزیده معاصر آمریکائی از مؤسسه اکتکار تا چهار بدن را ذکر می کند: بدن جسمانی، بدن خیالی، بدن فکری، بدن روحی بهنگام سیرو سفر روحانی اما از بدن عملی غافل ماند چون عنوان بدن اعم از جسدانی و یا جسمانی می باشد. به توضیحات توجه شود: ۱- جسد و سجّد یکپسند لذا جسد

آنست که بر خاک می‌افتد. ۲- جَسَم و سَجَم یکست لذا جسم آنست که بافت و انسجام دارد. بر همین معناست که نظرم بر وجود جسم سوم یا جسم عملی می‌باشد یعنی آن هیأت و شاکله‌ای که بموجب بافت عملی شخص پدید می‌آید مثل حرکت دست رسام که نیت رسم مثلث کرد، بر آن نحوی که مقتضی هیأت مثلث است (جسه ضلع و سه زاویه) حرکت می‌کند.

۶- وهم اکنون بدن اخروی مابا ما هست که با پراکنده شدن ذرات بدن جسدی، از بین نمی‌رود و بأذن الله، پس از نفخه صور، ذرات جسدی در آن شاکله و هیأت ها ریخته می‌گردند و بدن مادی عنصری شکل می‌گیرد مثل ریزش مواد پلاستیکی ذوب شده در قالب‌ها، که در هر کدام بهمان شکل اصلی در می‌آید، پارچ، لیوان، بشقاب و نظیر آنها و یا مثل جداسازی مشتقات نفت پس از روشن شدن و با استارت (منفع فی الصور) کارخانه پالایش که بنزین با همان ترکیبات خاص خود از گازوئیل ممتاز می‌گردد و عناصر بسیار سبک و خالص بصورت السابقون السابقون اولئک المقربون (۳) به مدارات بالا نزدیک می‌گردند و عناصر نیمه سبک بصورت اصحاب الیمین و اجرام متراکم یا کثیف قیری یا زقومی بصورت اصحاب الشمال که «أكلون من شجر من زقوم» یا قیر اندود در می‌آیند.

۷- رؤیت عمل خیر یا عمل شرّ به معنی جدائی پاداش از عمل نیست بلکه نفس الامر عمل خیر تجسم شاکله مقرین اصحاب الیمین است که «فروح و ریحان و جنت النعیم» و یا حیات سالم می‌باشد و نفس الامر عمل شرّ تجسم شاکله اصحاب الشمال است که همان «نارحیمیم و تصلیه جهیم» می‌باشد و این تحقق محشر است «ان هذا لهو الحق الیقین».

۸- قالب یا کالبد (فارسی) یا خلوپوزیم Xloposum یونانی، همان بدن یا استراکچر و استخوان‌بندی بدن است و کالبد شکافی و کالبد شناسی همان تشریح بدن عملی یا جسم عملی (نه جسم جسدی) کارکرد شناسی می‌باشد و در واقع معاد شناسی (برگشت جزا متناسب با عمل) معنای دقیق یوم الدین می‌باشد زیرا دین یا دنا به دو معنی حساب و کتاب کردن اعمال و تجسم وجدان است آنچه که وجود دارد قالب حقیقی شخص است لذا ریاخوار همانند مخبط شیطان مس کرده است (۴) و بد کرداران همانند بوزینگان «کونوا قرده خاسنین» و خوکان «کالکلب و الخنازیر» و نیکان چون پرندگان سبزینه بال زیبا در فضای ملکوتی در پروازند (حدیث قلب بدر). (۵) صدق الله العملی العظیم.

اشکال: این اشکال وارد است که انسان دارای چند بدن عملی است زیرا یکی در حال خیر و دیگری در حال شرّ باشد و این اجتماع نقیضین است که یک انسان را هم زشت و هم زیبا نشان دهند.

پاسخ اشکال بر دو منوال است:

ماهم اکنون دارای بدن عملی متعدد هستیم و قتی که عکس مادر آئینه شاهی یا ضمیر عارف صاحب‌دل که جام جم دارد می افتد و یا خود ما پس از ریاضت‌ها و محاسبه‌ها، بهنگام مکاشفه کرده‌های خویش را می‌بینیم و ندامت می‌بریم و در آن لحظه (رسوا شویم رسوا، رسوا شویم رسوا) (نعوذ بالله) بر همین منهج در قیامت کبری که یوم تَبْلَى السَّرَائِر است؛ (رسوا شویم رسوا، رسوا شویم رسوا) (نعوذ بالله) اشکال: اینجاست تصورات ماست، در قیامت تجسمات ما می‌باشد و دارای وزن و حجم عنصری.

پاسخ اشکال: اینجا هم بمدد تخیل حضوری، (۶) احضار ما و قَع می‌شود با همان بدن عنصری که حجم دارد اما وزن ندارد و وزن جزء ذاتی بدن عنصری نمی‌باشد زیرا اگر با همین بدن جسمانی عنصری بین دو مدار زمین و ماه قرار گیریم، وزن ما صفر می‌شود، و وزن ما در کره ماه یک چهل و نهم وزن ما در روی زمین است لذا وزن ما، ذاتی عنصری ما نیست بلکه معلول جاذبه زمین و یا در هر سیاره دیگر است. پس این همان نظر شیخ اشراق (یعنی بدن مثالی و برزخی میان ماده و غیر ماده است) و یا همان بدنی است که نفس بمد و قوه مجرد خیال می‌سازد (طبق نظر ملاحظه‌کنندگان).

رفع اشکال: نظر ما برخلاف نظر آن بزرگان که به بدن بازسازی شده معتقدند، اینست که ما به بدن عملی پیش ساخته (پیش از قیامت کبری یعنی در همین نشئه) معتقدیم و الآن جسم عملی ما در همین نشئه با ما، هست و در همین جسم طبیعی دنیائی. ولی پس از «نُفُخِ فِي الصُّورِ» که براحادی جز بر ذات حق سبحانه و تعالی معلوم نیست: «وَوُتِّنِّسْتُمْ فِي مَا لَمْ تَعْلَمُونَ» (۷) این قَدَر هست که «بانگ جرسی می‌آید» و شبیه استارت خوردن پالایشگاه نفت است که بمحض صورت گرفتن استارت (= یا نُفُخِ فِي الصُّورِ)، جسم عملی هر فردی مطابق وزن مخصوص ویژه‌اش (مثل وزن مخصوص ویژه هر یک از مشتقات نفت خام) در جایگاه خویش و بر هیأت و شاکله مستحق آن بعث و سپس نشر پیدا می‌کند و سپس حشر صورت می‌گیرد «اللهم احشرفنا مع الابوار» هم آن قَدَر است که جزاء متناسب عمل ما می‌باشد یعنی نفس الامر عملکرد، مبین قَدَر جزائی محسوب می‌گردد و تشبیه محسوس به معقول و برعکس تحقق می‌یابد «إِنَّ هَذَا لَهُو الْحَقُّ الْيَقِينُ».

منوال دوم:

هانری برگسون (ظاهراً در کتاب زمان و اراده) (۸) به خلق فانوم های روحی معتقد شد که تقریباً مشابه است با روایت مشهور: که حضرت امیرالمؤمنین علی (ع) در یک افطاری ماه مبارک با چهل مؤمن

که از ایشان دعوت به افطار کردند، در منازل آنان، افطاری صرف کردند و همگان می‌گفتند که با آنحضرت افطاری در منزل شخصی آنان صرف کردند. و آقای پال تونیچل پیامبر جدید آمریکائی‌ها در کتاب ندای الهی، فلوت خدا (۹) می‌نویسد: «من با نام‌های مستعار و با بدن مادی و یا روحی به سرزمین‌های بسیاری سفر کرده‌ام، قلمروهای عوالم هستی را درنوردیده‌ام، از عوالم دیگر بازدید نموده و به جهان‌های دیگر سرکشیده‌ام... در حوزه شناخته شده کلیه مسافران روحی نشست و برخاست داشته‌ام» در صفحه ۲۳ می‌گوید: «میلیون‌ها سال قبل من آگاهانه و با اشتیاق برای انجام سهم خود در پیشبرد روش‌های آگاهی جهانی نسبت به خدا، به این سیاره آمدم.»

در مسأله طی الارض شکی وجود ندارد و تبدیل ماده به انرژی و انرژی به ماده طبق قانون آنتروپی مثبت و آنتروپی منفی از قوانین ترمودینامیک کاملاً مقبول است لذا اراده انسانی که بصورت یک مجموعه سازمان یافته (=منی جسم) با عناصر نوری تصویری مطابق شاکله، امواج الکتروماینیتیک ساخته می‌شود هرچند که بظاهر جسدی هیچ تفاوتی مشاهده نشود، مثال در نوع نگاه «وَهُوَ يُعَلِّمُ خَائِنَةَ الْأَعْيُنِ» و در نوع نماز: «وَيَلِّ لِلْمُصَلِّينَ، الَّذِينَ هُمْ عَنْ صَلَاتِهِمْ سَاهُونَ، وَالَّذِينَ هُمْ يُرْأَوْنَ» (۱۰) و در مثال عادی، حمل و نقل بار و اثاثیه منزل در دو مورد بظاهر بی تفاوت است لکن یکی را پلیس بعنوان دزد دستگیر می‌کند و دیگری را مزاحم نمی‌شود چون نیت در اولی سرقت اموال است و در دیگری نقل مکان، پس جسم عملی غیر حرکات جسدی می‌باشد و چون «الْأَعْمَالُ بِالنِّيَّاتِ» لذا جزای اخروی معادل قَدَرٍ مَّتَّخَبٍ نِيَّتِي می‌باشد و سربان احکام فقه الهی در «تبلی السرائر» عملی است. و این جسم سوم یا بدن عملی هم اکنون با ما یکجا وجود دارد خواه در حافظه دور و یا حافظه نزدیک بتوان آنرا بکمک تخیل حضوری بازیافت نه بازساخت و بهشت و دوزخ هم اکنون با ما و در قبر ما همین الآن وجود دارد: «احتسب نفسك قبل فراشك». والسلام

فهرست منابع

- ۱- نشریه معارف، قم، حوزه معاونت مالی، ۱۳۸۰، شماره ۴، مقاله آقای حجه الاسلام کیشمشکی.
- ۲- سوره واقعه آیه ۵۰. ۳- همان سوره آیه ۱۱. ۴- سوره البقره آیه ۲۷۶.
- ۵- رساله حقیقه انسان، فصلنامه دانشگاه آزاد اسلامی واحد بابل، شماره ۸، ۱۳۸۱، ص ۱۷۹.
- ۶- انواع تخیل: انفعالی، ادبی، فنی، حضوری (رک: مقدمه روان شناسی، دکتر مهدی جلالی، تهران، ۱۳۳۸).
- ۷- سوره واقعه آیه ۶۲. ۷- برگسمون، هانری، ازاده و زمان، ترجمه، تهران، صفیعلیشاه.
- ۸- تونیچل، پال، فلوت خدا، ترجمه دکتر رضا جعفری، تهران، چاپ دوم، دنیای کتاب، ۱۳۷۷، ص ۳۶.
- ۹- سوره الماعون، آیه های ۵ تا ۷.



پرویشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی